❖ مسئله: تسخیرات

مقدمه:

مرحوم شهیدی می نویسد:

«قد عرف الکیمیاء فی تحفة الحکیم المؤمن بأنّه علم بتبدیل قوی الأجرام المعدنیّة بعضها ببعض لیظهر الذّهب و الفضّة من سائر الفلزّات و عرّف علم اللّیمیاء بالطّلسمات و قد مرّ تفسیره فی المتن عن الدّروس و قال إنّ اللّیمیاء علم التّسخیر و عرّفه بما جعله فی الإیضاح دعوة الکواکب و العزائم و زاد علیه غیر ذلک و عرّف الرّیمیاء بعلم الشّعبدة و عرّفه بما جعله فی الإیضاح علم الخواصّ.»[1]

همچنین مرحوم **سید محمد صدر** در ماوراء الفقه در تعریف «لیمیا» می نویسد:

«اللیمیاء، و هو العلم الباحث عن کیفیة التأثیرات الإرادیة باتصالها بالأرواح القویة العلیا، کالأرواح الموکلة بالکواکب و الحوادث و غیر ذلک، بتسخیرها أو باتصالها و استمدادها من الجن بتسخیرهم. هو فن التسخیرات.»[2]

هم‌چنین در تقسیم بندی اقسام سحر، نوع سوم، تسخیر جن دانسته شده بود[3] البته بحث تسخیرات، اعم از تسخیر جن است ولی ممکن است ملاک واحدی را بتوان در آن تحصیل کرد.

بحث: مرحوم نراقی در مستند در اینکه تسخیرات و اقسام دیگری از آنچه قبل از آن بر می شمارد سحر باشد، شبهه کرده است و می نویسد:

«البواقی و الأصل یقتضی فیها الإباحة، إلّا ما علمت حرمته من جهة الإجماع، کما هو الظاهر فی التسخیرات.»[4]

توضیح: (بواقی) اقسام دیگر، اگر اجماع بر حرمتش باشد، حرام است ولی نه از جهت سحر بودن، بلکه به جهت اجماع، و تسخیرات از آن دسته‌ای است که اجماع بر حرمت آن اقامه شده است.

---

۱. هدایة الطالب إلی أسرار المکاسب، ج۱، ص۵۹

۲. ما وراء الفقه، ج۳، ص۷۲.

۳. ن ک: درسنامه، ص۱۵۸.

۴. مستند الشیعة فی أحکام الشریعة؛ ج۱۴، ص۱۱۵.

مرحوم **شهید اوّل** هم در دروس می نویسد:

«و تحرم الكهانة و السحر بالكلام و الكتابة و الرقبة [ظاهراً رُقیه صحیح است و به اشتباه رقبه ضبط شده است] و الدخنة بعقاقير الكواكب [عَقّار (ج: عقاقیر) هر نوع گیاه که به آن تداوی کنند] و تصفية النفس و التصوير و العقد و النفث و الأقسام و العزائم بما لا يفهم معناه [اشاره به روایت ابوبصیر که در بحث تعویذها مورد اشاره قرار دادیم] و يضر بالغير فعله، و من السحر الاستخدام للملائكة و الجنّ و الاستنزال للشياطين فی كشف الغائب و علاج المصاب.

و منه الاستحضار بتلبّس الروح ببدن متفعّل، كالصبیّ و المرأة و كشف الغائب عن لسانه، و منه النيرنجيّات، و هی إظهار غرائب خواصّ الامتزاجات و أسرار النيّرين.

و يلحق بذلک الطلسمات، و هی تمزيج القوى العالية الفاعلة بالقوى السافلة المنفعلة ليحدث عنها فعل غريب، فعمل هذا كلّه و التكسّب به حرام.»[1]

مرحوم **شیخ انصاری** در این‌باره می نویسد:

«ثم الظاهر أنّ التسخيرات بأقسامها داخلة فی السحر على جميع تعاريفه، و قد عرفت أنّ الشهيدين مع أخذ الإضرار فی تعريف السحر ذكرا أنّ استخدام الملائكة و الجن من السحر، و لعل وجه دخوله تضرّر المسخَّر بتسخيره.

و أمّا سائر التعاريف، فالظاهر شمولها لها، و ظاهر عبارة الإيضاح أيضاً دخول هذه فی معقد دعواه الضرورة على التحريم؛ لأنّ الظاهر دخولها فی الأقسام و العزائم و النّفث. و يدخل فی ذلک تسخير الحيوانات من الهوامّ و السباع و الوحوش و غير ذلک خصوصاً الإنسان.»[2]

توضیح: نفث: دمیدن/ هوامّ: جمع هامّه: گزنده‌ها

مرحوم **شیرازی** بر **شیخ انصاری** اشکال کرده است که نمی توان از عبارت **فخرالمحققین**، حرمت هر نوع تسخیری را استفاده کرد چراکه عبارت ایضاح «**استعانت از ارواح ساذجه**» است:

---

۱. الدروس الشرعية فی فقه الإمامية، ج۳، ص۱۶۳.

۲. كتاب المكاسب (للشيخ الأنصاری، ط - الحديثة)؛ ج۱، ص۲۷۳.

«ثمّ المراد بالأرواح الساذجة فی عبارة الإیضاح ان کان الأرواح المجرّدة عن مطلق الجسم الفلکیّ و العنصریّ لم یدخل فیها الجنّ لترکّبه من العنصریّات فی الجملة و لا الملائکة الکائنة من الأجسام الفلکیّة نعم لو ثبت وجود ملائکة مجرّدة عن مطلق الجسم نظیر العقول کانت مشمولة للعبارة و کذا یشمل أرواح الموتی الخارجة عن الأبدان بالموت لو قلنا بتجرّدها بالمعنی المزبور و ان أرید فیها المجرّدة عن خصوص الجسم العنصریّ خرجت عنها الأجنّة شملت الملائکة جمیعا و ان أرید منها المجرّدة عن خصوص الجسم المرکّب من مجموع العناصر یعنی الأجسام المحسوسة کالإنسان و نحوه من سائر الحیوانات شملت الأجنّة و الملائکة جمیعا و علی ایّ حال فتسخیر سائر الحیوانات خارج عنها.»[1]

توضیح:

۱. اگر مراد از ارواح ساذجه، روحی است که هیچ نوع جسم ندارد (نه فلکی و نه عنصری)، در این صورت تسخیر جن و ملائکه جسمانی، جایز است چراکه «**ارواح ساذجه**» نیستند. البته تسخیر ملائکه مجرده و ارواح مردگان حرام است و مشمول عنوان است.

۲. و اگر گفتیم مراد از ارواح ساذجه، روح مجرد از جسم عنصری است، تسخیر جن حرام نیست چراکه جن، مجرد از جسم عنصری نیست ولی تسخیر ملائکه (هم جسمانی و هم مجرده)، استعانت از ارواح ساذجه است.

۳. اگر گفتیم مراد از ارواح ساذجه، هر روحی است که جسم محسوس ندارد، استعانت از جن و ملائکه حرام است.

۴. در هر صورت تسخیر حیوانات، تحت این عنوان نیست.

مرحوم **خویی** نیز بر **شیخ** اشکال کرده است که:

«و فیه أنک قد عرفت خروج الاستعانة بالأرواح الأرضیة و استخدام الجن من السحر موضوعا و حکما. و حینئذ فإن انطبق علی ذلک شیء من العناوین المحرمة حکم علیه بالحرمة لتلک الجهة المحرمة، لا لکونه سحرا، کما إذا اشتملت التسخیرات علی المقدمات المحرمة، أو کان المسخر

۱. حاشیة المکاسب (للمیرزا الشیرازی)، ج۱، ص۸۲.

بالكسر لعمله ذلک عرضا للتضرر أو التلف أو الجنون، أو لارتكاب شيء آخر من الأمور غير المشروعة، أو كان المسخر بالفتح مؤمنا من الإنس أو ملكا، و كان التسخير ظلما عليهم، و مع انتفاء العناوين المحرمة فلا وجه للحرمة، كتسخير الكفار من الانس و الجن و إن اشتمل ذلک على إيذائهم، و إلا لما جاز قتل الكفار، و أخذ الجزية منهم و هم صاغرون.

و كذلک يجوز تسخير الحيوانات مطلقا، خصوصا المؤذيات منهم كالعقارب و الحيات و السباع، و إلا لما جاز استخدام الحمولة، و قتل المؤذيات منها، و قد أجاد المحقق الايروانی و قال: (فالأمر فی تسخير الحيوانات أوضح، فهل يمكن الالتزام بجواز تسخير الحيوانات بالقهر و الغلبة و الضرب، و مع ذلک لا يجوز تسخيرها بما يوجب دخولها تحت الخدمة طوعا)»[1]

توضیح:

۱. این کار سحر نیست ولی اگر عناوین حرام دیگر بر آن صدق کند، به سبب آنها حرام است.

۲. این عناوین دیگر مثل اینکه:

۳. این کار مقدّمات حرام داشته باشد. (مثلاً باید قرآن را بسوزاند تا تسخیر حاصل شود)

۴. این کار باعث ضرر یا تلف یا جنون تسخیر کننده می شود (تسخیر کننده را در معرض اینها قرار می دهد)

۵. این کار باعث می شود که تسخیر کننده در معرض حرام های دیگر قرار گیرد (مثلاً به سبب تسخیر، بعدها اسرار مردم را کشف کند و به رابطه نامشروع با آنها منجر شود)

۶. این کار ظلم به تسخیر شونده باشد (اگر تسخیر شونده مسلمان است)

ما می گوئیم:

۱) عبارت مرحوم **ایروانی** که در کلام مرحوم **خویی** مطرح شده بود چنین است:

«بل الظّاهر المحصّل من مجموع الأخبار و كلمات الفقهاء و اللغويين خروج التّسخيرات بأقسامها من السّحر فإن حرمت حرمت من جهة أخرى و لأجل انطباق عنوان آخر عليه و عليه فالأمر فی تسخير

۱. مصباح الفقاهة (المكاسب)، ج۱، ص۲۹۶.

الحیوانات أوضح فهل یمکن الالتزام بجواز تسخیر الحیوانات بالقهر و الغلبة و الضّرب و مع ذلک لا یجوز تسخیرها بما یوجب دخولها تحت الخدمة طوعا»[1]

۲) همین مطلب قبل از مرحوم **ایروانی** در کلمات میرزای **شیرازی** هم مطرح است:

«لا یخفی عدم شمول الأقسام الّتی حکاها عن البحار لشیء من التّسخیرات نعم یدخل فی القسم الثّالث منها السّحر بواسطة الاستعانة بالأرواح الأرضیّة یعنی الأجنة فیکون التّسخیر من مقدّمات السّحر حیث انّ الاستعانة بها لا یکون الّا بعد تسخیرها و کیف کان فلا دلالة فیها علی کون نفس تسخیر الأرواح الأرضیّة من السّحر فضلا عن تسخیر الملک فضلا عن تسخیر سائر الهوامّ و الحیوانات الّتی یدلّ قوله (- قدّه-) بعد ذلک و یدخل فی ذلک تسخیر الحیوانات من الهوامّ و السبّاع و الوحوش و غیر ذلک علی شمول تعاریفهم للجمیع.»[2]

۳) مرحوم **تبریزی** هم همین نکته را مورد اشاره قرار داده است:

«لم یظهر کون مجرد التسخیر سحرا، و علیه فلا بأس به حتی فیما إذا کان ذلک إضرارا بالحیوان، فإن إضراره لا یزید علی ضرب الحیوان و الرکوب أو حمل الثقل علیه کما لا یخفی، بل لا دلیل علی حرمة الإضرار بالأجنة فضلا عن الشیاطین.»[3]

۴) جواز این مطلب مورد تاکید برخی از بزرگان معاصر هم واقع شده است:

«قد عرفت أنّ السحر تصرّف فی الحواس و القلوب حتی یری الباطل حقاً، و علی ذلک فالتسخیر بما هو أمر واقعی و تکوینی لا یُعد من السحر أبداً، و ما استشهد به الشیخ من عد الشهیدین استخدام الجن و استنزال الملائکة سحراً لا حجّیة فیه.

و علی ذلک فلا تدل إطلاقات السحر علی حرمة التسخیر، بل تسخیر الحیوانات دال علی کمال النفس، فالأصل الجواز ما لم یدل دلیل علی حرمته.

و أمّا تسخیر الأرواح المعبّر عنه فی مصطلح الیوم بإحضارها، و إن کان الأولی تسمیتها بالارتباط بها، فلو لم یکن إیذاءً لها و لم یکن طریقاً لکشف الغائبات و ارتکاب المحرّمات فلا دلیل علی حرمته.

۱. حاشیة المکاسب (للإیروانی)؛ ج۱، ص ۲۸.

۲. حاشیة المکاسب (للمیرزا الشیرازی)؛ ج۱، ص۸۲.

۳. إرشاد الطالب إلی التعلیق علی المکاسب، ج۱، ص۱۶۸.

و بالجملة: إنّ الأصحاب أدخلوا فی السحر ما لیس منه، و رموا الکل بسهم واحد، مع أنّ کل واحد منها ینبغی أن یبحث عنه مستقلًا بعنوانه الخاص.»[1]

۵) امّا برخی دیگر فتاوی دیگری دارند که مشعر به حرمت تسخیر است:

«تنتشر هذه الأیّام کتب فی علم التسخیرات و التحضیرات و الطلاسم لمؤلّف مصری، فما تقولون فی هذه الکتب، و لمن یستنسخها، و لمن یبیعها فی الأسواق سرّاً أو علناً؟

الجواب: کتب التسخیرات و التحضیرات و الطلسمات تعتبر کتب ضلال یحرم بیعها و شراؤها و استنساخها.»[2]

۱. المواهب فی تحریر أحکام المکاسب، ص ۵۰۰.

۲. حائری سید کاظم، الفتاوی المنتخبة (مجموعة إجابات فی فقه العبادات و المعاملات)، ص۱۶۴.